

T H E

DARK HORSE  
COMICS

1 (OF 4)  
\$2.50 U.S.  
\$3.00 Canada

# MASK

تیم ترجمه  
فیلم باز!!!  
تقدیم می کند



**John Arcudi • script**  
**Doug Mahnke • art**  
**Pat Brosseau • letters**  
**Mike Richardson • edits**

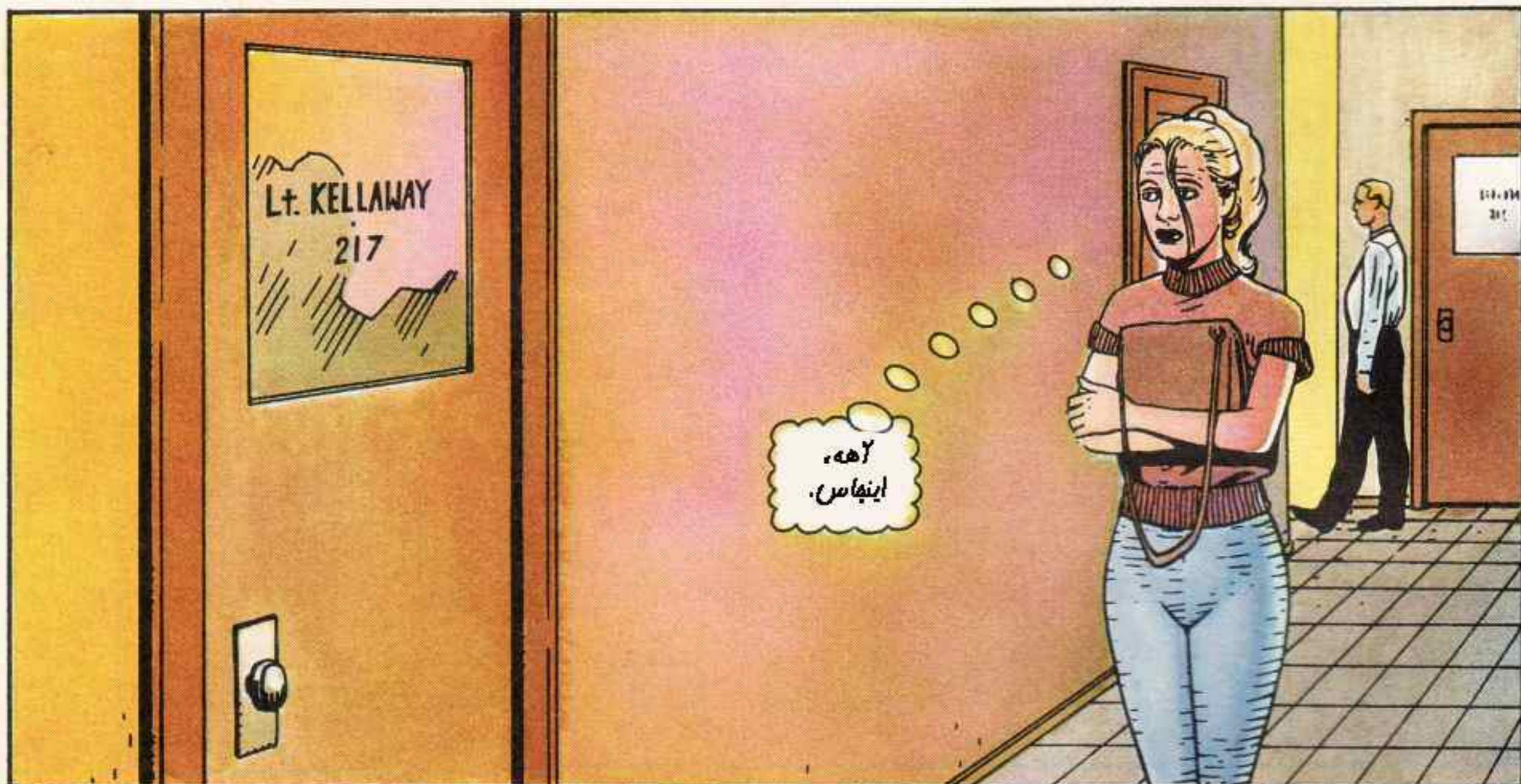
**The Mask™ created by Mike Richardson**

**Mike Richardson • publisher**  
**Neil Hankerson • vice-president of operations**  
**Bob Schreck • marketing director**  
**Brad Horn • controller**  
**Debbie Byrd • operations assistant**  
**Randy Stradley • executive editor**  
**Diana Schutz • managing editor**  
**Barbara Kesel, Jerry Prosser, Chris Warner • editorial staff**  
**Cece Cutsforth • art director**  
**Chris Chalenor • production manager**  
**Steven Birch, Carolyn Megyesi, Jack Pollock,**  
**Steve Posey, Monty Sheldon & Forrest Norvell • production**  
**Tiffany Schlobohm • receptionist**

The Mask™ #1, August 1991. A four-issue mini-series published by Dark Horse Comics, Inc., 10956 SE Main Street, Milwaukie, OR 97222. Entire contents, unless otherwise specified, are © 1991 Dark Horse Comics, Inc. All rights reserved. The Mask™ is a trademark of Dark Horse Comics, Inc. No similarity between any of the names, characters, persons and/or institutions in this publication and those of any existing or pre-existing person or institution is intended and any similarity which may exist is purely coincidental. The Mask™ is published monthly.

PRINTED IN CANADA







مثل وثیقه موکلم بزاریم  
در مورد این هم قاضی تصمیم بگیره.

اگه دستم بهت برسه کاری  
میکنم مرغای آسمون به حالت  
کریه کنن!



مشکلی نیس لیونل. من نمیخوام برم  
دنبالشون. مگه من با به دست  
چکار میتونم بکنم؟

مشکل تو اینه که  
فود تو خیلی درگیر  
این موضوع کردی.



تو باید روی اون  
مرد کله کنده کار تمرکز  
کنی.

ولی راپاز  
هم به فروشنده  
غیرقانونیه.



اشتباهه.  
رفیق  
این درست  
نیست.

وقتی من این پرونده رو  
شروع کردم تو با من نبودى.  
تنها دلیلش که باعث میشه اون  
توی شهر و فروش باشه  
اینه که تو چیزای دیگه نبوده.



جناب سرهنگ؟

بله؟



سلام، منو شناختید؟  
کتی هستم.

بله، بله، واقعا برای  
دوست پسر تون مناسبم.



اوه، اون یک شوک  
بزرگ بود.  
ولی فک کنم دیگه  
اون مسئله ای نیس.

بفرمایید  
داخل.



بفرمایید  
بشینید.

من میرم پایین یه  
چیزی بخرم، چیزی  
نمیخواهید؟

نه ممنون.



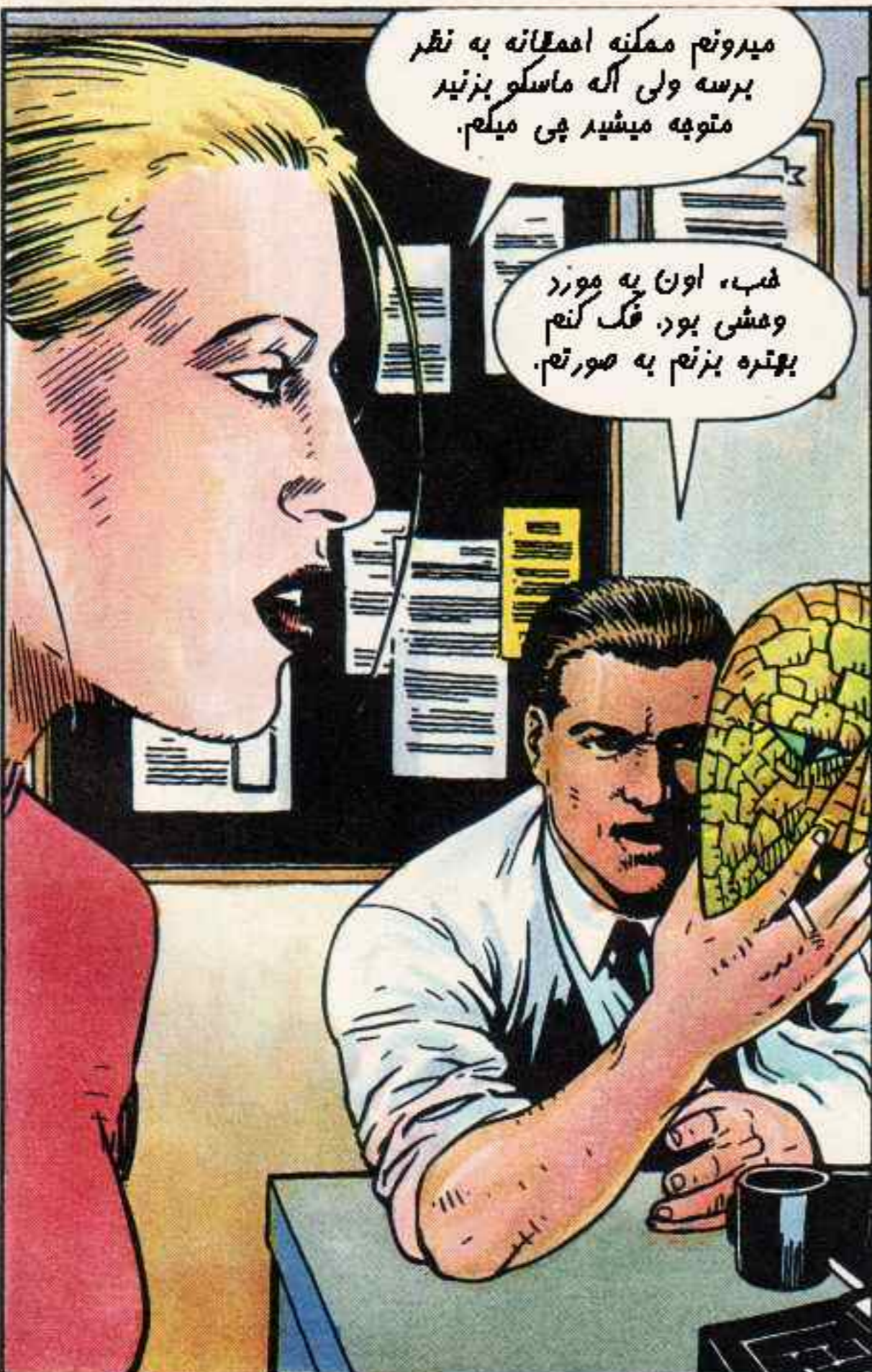
میتونم کمکتون کنم؟



خب، امیدوارم از اینکه دیدم  
تاراهت نشید-

ولی فک میکنم  
جواب خیلی از سوالاتون  
توی این کیف باشه.

این اون  
کیفه.





فک کنم اینا به خاطر یفتوایی ها و تنش هاییه که این چند وقته داشتی.

وقتی به اندازه کافی خوابیدی و استراحت کردی منو خبر کن تا بیشتر این موضوع صحبت کنیم.



راست میکنی. چند وقته درست نفوایدیم. ولی الان باید بتونیم... فردا تماس میگیریم.

عجله ای نیست. اینو بارت نره.



پشم، پشم.

شنیدیدی؟ هیچ وقت به من برنگردون!

نه نه! اصلا نمیفوام دوباره اینو ببینم. مسئولیت این از این به بعد با پلیسه.



بارت باشه. همگاری میکنی نزار کسی اونو بزنه به صورتش.

گرفتی؟



نزدیکیشب.

تو امشب میری فونه، درسته؟

آره آره



میفواستم بپرسم این چیه؟

اون زنی که اینجا بود به زور اینو داد به من. گفت که خیلی مهمه. خیلی ناراحت بود برای همین باش بازی کرد.





تو اینو اینها  
ول نمیکنی.  
درسته؟

عرا نیاید  
این کارو بکنم؟

ممکنه کسی اینو ببینه و  
برامون پرونده سازی کنه.



و باید به خاطرش  
عند هالته روزگرنی  
کنیم. و خیلی بد  
میشه.

به شه.  
من میبرمش فونم  
و به جایی قایمش میکنم.

فوشمال شری؟



عرا من پلیس  
شدم؟

موقع رشدم خیلی سختی  
تکشیره بودم.



اگه نتونیم برای اون فروشنده  
غیرقانونی مدارک گیر نیارم!

یا این که نتونم کسر رو برای  
پرونده کله کنده دستگیر کنم.



من میفوام  
بینمش وقتی  
داره از تاراقتی من  
فوشمالی میکنه.

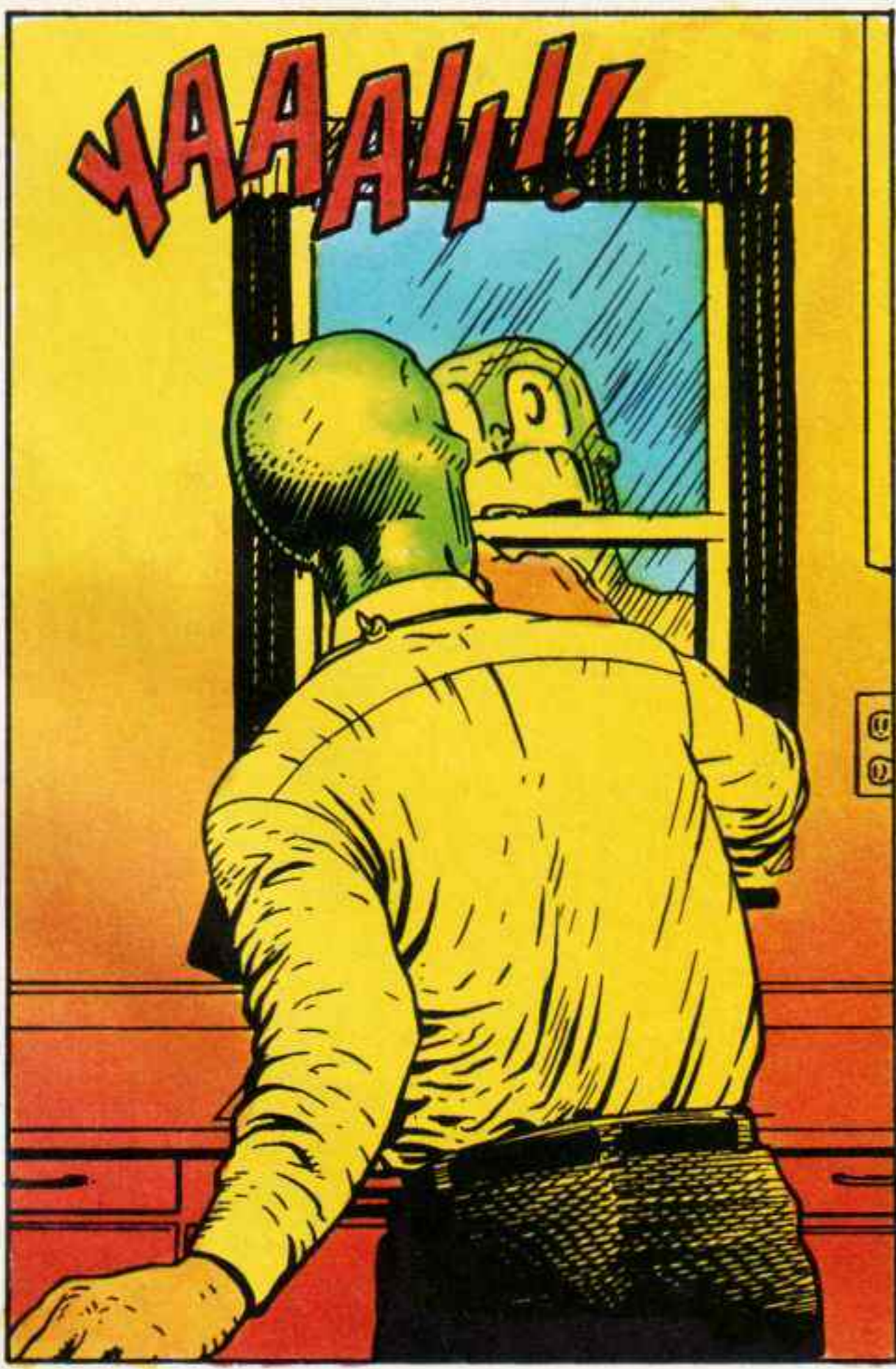




خدای  
من. اون دختر  
راست میگفت!



میبینی؟ دستام  
بهنتر شده. این یه  
معجزه س!



YAAAA!!



اوه،  
هه هه، این  
منم!

سلام سلام!







ما فیلی فروش شانسیم  
که بالاخره اونو  
میبینیم.

انقدر به ساعت نگاه نکن. منم  
میدونم اون دیر کرده ولی  
یادت باشه اون فیلی  
سرش شلوغه.



امممم. من باید یکی رو ساعت ۱۱ ببینم.  
امکان داره قبلش اینها باشه؟

شاید.



بیشتر فیلی دیر کردم  
دیوید. ولی امروز دیونه  
کنتره بود.

نگران نباش  
استیون لیستر. ایستون  
ایگن راپاز هستن.



اوه، آقای راپاز.  
از دیدتون فروش  
عالی.

فوشو قتم.

همونطور که میبینم من  
آقای راپاز رو با یه وثیقه معقول  
آزادش کرد.



البته اینها مشکلات دیگه ای  
هم هست

آه نمیدونستم میتونید  
فودتون از پس این مشکل  
بریباید اینها نبودم.



پلیس آقای راباز رو  
برای به خاطر این فروش  
غیرقانونی گرفت تا برای  
مرتینو شیابونا نباشن.

به نظر میرسه اونا فک میکنن  
این باعث میشه موکل من  
کمتر پاسوسشون رو از دست کنه.



فرنگلی این استراتژی خوب کار میکنه.  
و من الان درباره این قبلی کنکلاوم که  
به خاطرش موکلمو آزاد کردم.

پدر کنکلاویدر؟



اگه اونا نتون مدارک بیشتری برای جرمای  
دیگه پیدا کنن، جرم فروش غیرقانونی رو  
بعوش میندن.

اممم، درست میلی.  
بیشتر معرفتو قطع کردم.



شب، البته من نمیتونم  
تضمین کنم ولی کاری که میتونم  
انجام بدمو می دونم.



اممم - این همه  
چیزه که میفوام.

استیون  
ممنون.

مالا بزایر  
به چیزی سفارش  
برم.



هرچیزی میفواید  
سفارش برید.

به حساب من.

PAT PAT PAT



مطمئن این همیشه؟  
گرنی؟

بله، این همه چیزه که  
اینجا بود. من هر چیزی که  
خواستیدو انجام دارم. شما  
که به من شلیک نمیکنید؟



من که گفتن اگه همکاری کنید شلیک  
نمیکنیم. وگرنه شلیک می کنیم.

ممنون، ممنون آقا  
فیلی ممنون.



**BOOM**

اونه!



ماشین کجاس؟ اون ماشین  
دزدی کجاست؟

اوه. اونجا  
رو نگاه کن.



این ماشین پش شده؟  
روشن نمیشه.

استارت نمیخوره!!  
باورم نمیشه این اتفاق افتاده.  
چه بلایی سرش آوردی؟

من کاریش نکردم.  
فلاط فله شو باشه؟  
شاید فیلی سریع درستش کنم.





فک کنم این  
کاربوراتور باشه.

چیز خوبی  
دزدیدید.

خیلی  
کثیفه.



دمتون گرم.  
این ماشینای  
خارجی  
خیلی کوچیکن.



اینجوری  
به من نگاه  
نکن بچه. بهت  
گفتم این کار  
براتورره.



اینجا  
دیدیش یا نه؟





بزا یه چی  
از شو ما  
بدرسم.



BOOM-CHUK  
BOOM-CHUK  
BOOM-CHUK  
BOOM-CHUK

BANG BANG  
BANG BANG  
BANG BANG



شما نباید با اینا پاتونو  
پوشو نید؟



آآآآآآآآ!!

رفقا!  
صب کنین  
منم پیام.



۳۰ دقیقه بعد...

آره آره باید از شرش  
آهوهوهه فلافن شیم.

من-  
فک کنم  
کمش کردیم.



یالا بین ماشین  
هنوز سالمه؟

اون چور ایم  
از رو سرت بکش!



کمی بعد.

عالی شد. حالا نمیتونیم  
ازین راه بریم.



بین.  
یه صدایی داره میار.



حالا حواستون به من باشه.  
میخوام هنر بادکنک بازی رو  
نشونتون بدم.



بینین.  
چنتا دور حالا...

تو دیونه شدی!  
پلیسا قشنگ اون  
کوشه ن.

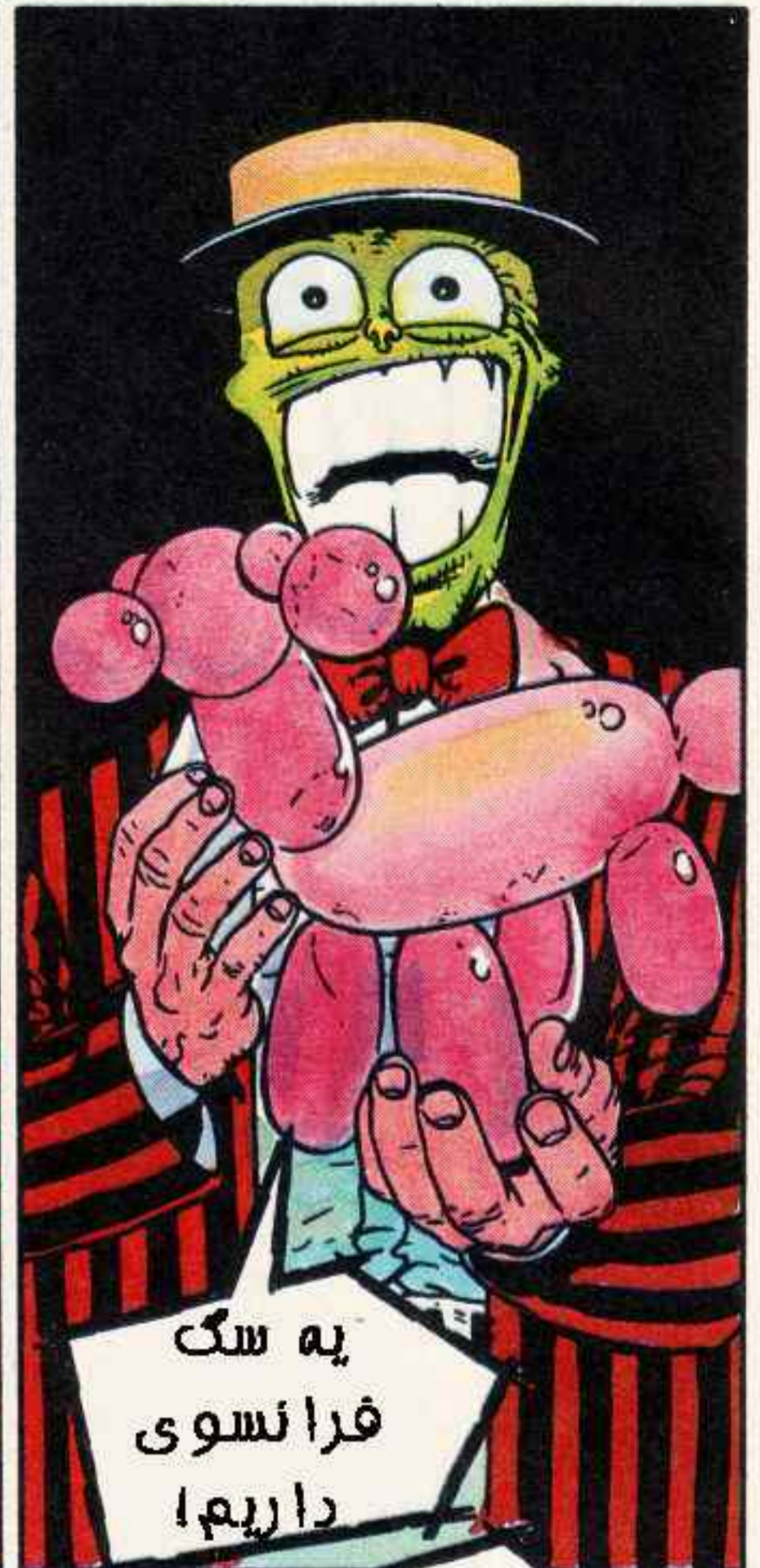
و کلوله م  
روی این  
اثر نداره.



و حالا  
ما یه زرافه  
داریم!



با چند تا  
دور مناسب...



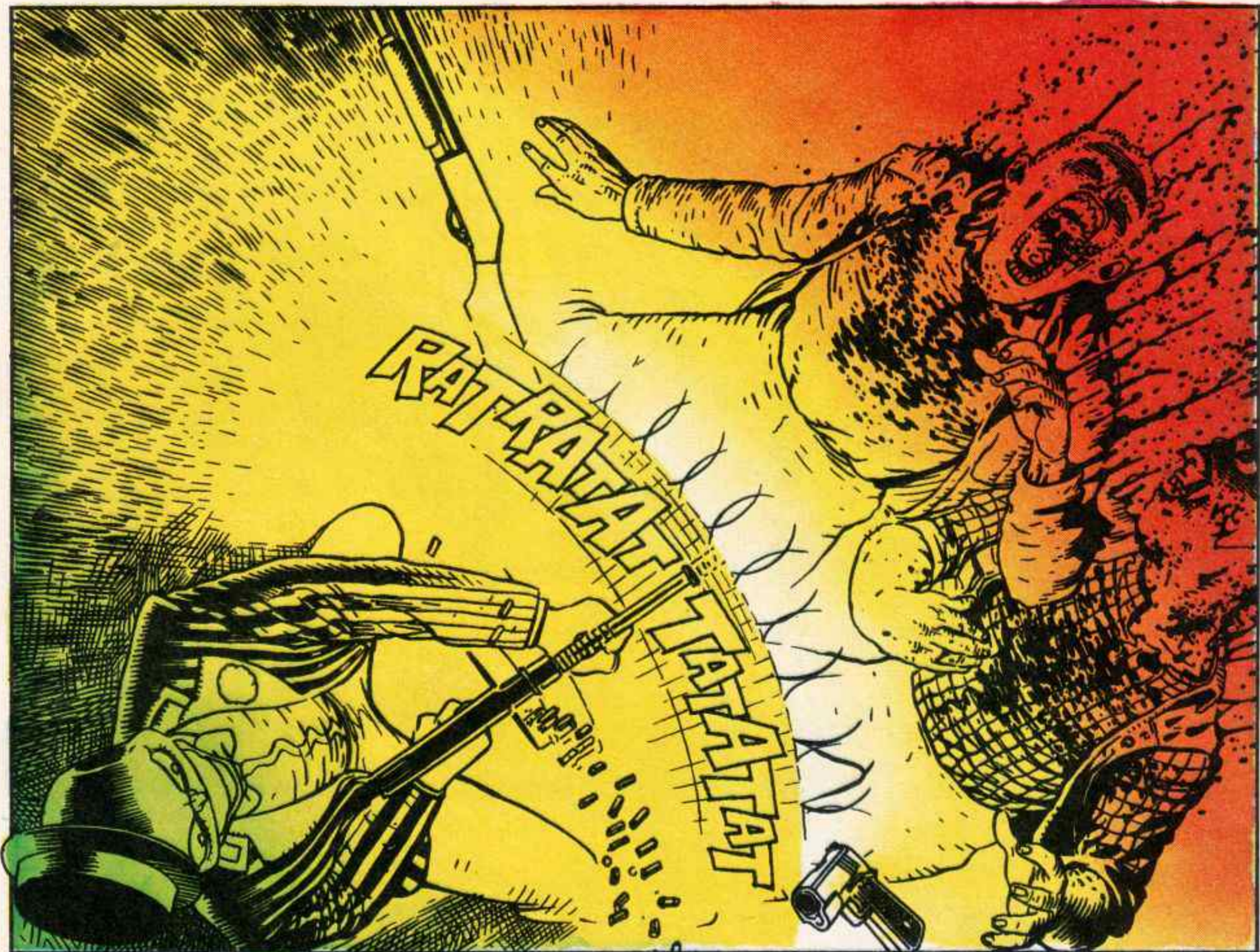
یه سنگ  
فرانسوی  
داریم!



چند تا خم دیگه  
و حالا من چیز مورد  
علاقه مو دارم:



یه  
تفنگ  
فیل کش!





بیشتر بن، داشتم از اون پیرزنو یک آب میگردم ولی اون کمک نمیخواست.

باشد هوا سمون باشه. این کردنش آسیب دیره.



شب راننده حرکت کن.



اون از ماشین بیرون اومد.

آروم رفیق، آروم. سرتو تکلون نره باشه؟

اینو بوش بره. چند ثانیه هوا بش پیره. میفوام سرشو بندرم. حرکتشو کم میکنه.



گرفتمش رفیق؟

هاه!! آه...



سلام! مژو یادت میاد؟!!





آره. ممکنه امکانه به نظر برسه ولی من میفواستم از شر اون فلاص شم. فیلی منو میترسونه.

تو... تو که اونو نزدی؟



ماسک؟ بززم به صورتم؟

نه، تو گفتی نباید اونو بززم. به جز این فک نکنم ساینزش به من بپوره.



سرهنگ، داری بامن شوخی میکنی؟

نه خانم، هرگز. فقط میفواستم به زره فشک نباشم. شاید به سری از ترساتو آروم کنه.



ولی درمورد ماسک نگران نباش. اون جلومه و نمیذارم به لطفه از چلوی هشام دور شه. باشه؟

باشه، آه سوالای بیشتری داشتم بهت زنگ میزنم. از امروز دیکه روز هویی داری.



HEH HEH HEH

هنب، لیونل. فک کنم میفواستی به راستان تعریف کنی برام.



HMMMMMM.





... تو راه بیمارستان. کردن  
اون مریض شکست. احتمالن به فاطمه  
اینکه آمبولانس به به چیزی فوردهو

دستیارای آمبولانس  
دبونه شدن و هنوز به حالت  
عادی برنگشته ن.



صیغ بفر فرمانده.  
میتونم کمکتون کنم؟

شما دوتا باید  
کون کشادتونو از صدرلی  
بلند کنید.

به مقام بالا  
با شما کار داره و میفواد  
باتون صحبت کنه.



مدارک کافی نیست؟  
چه زری میزنی؟ مدارک کافی نیست!!!

هرویینی که ما  
گرفتیم نمیتونه  
به به عنوان مدارک  
استفاده بشه.

ما هیچ چاره ای  
نداریم. باید  
آقای رابازو آزاد کنیم.

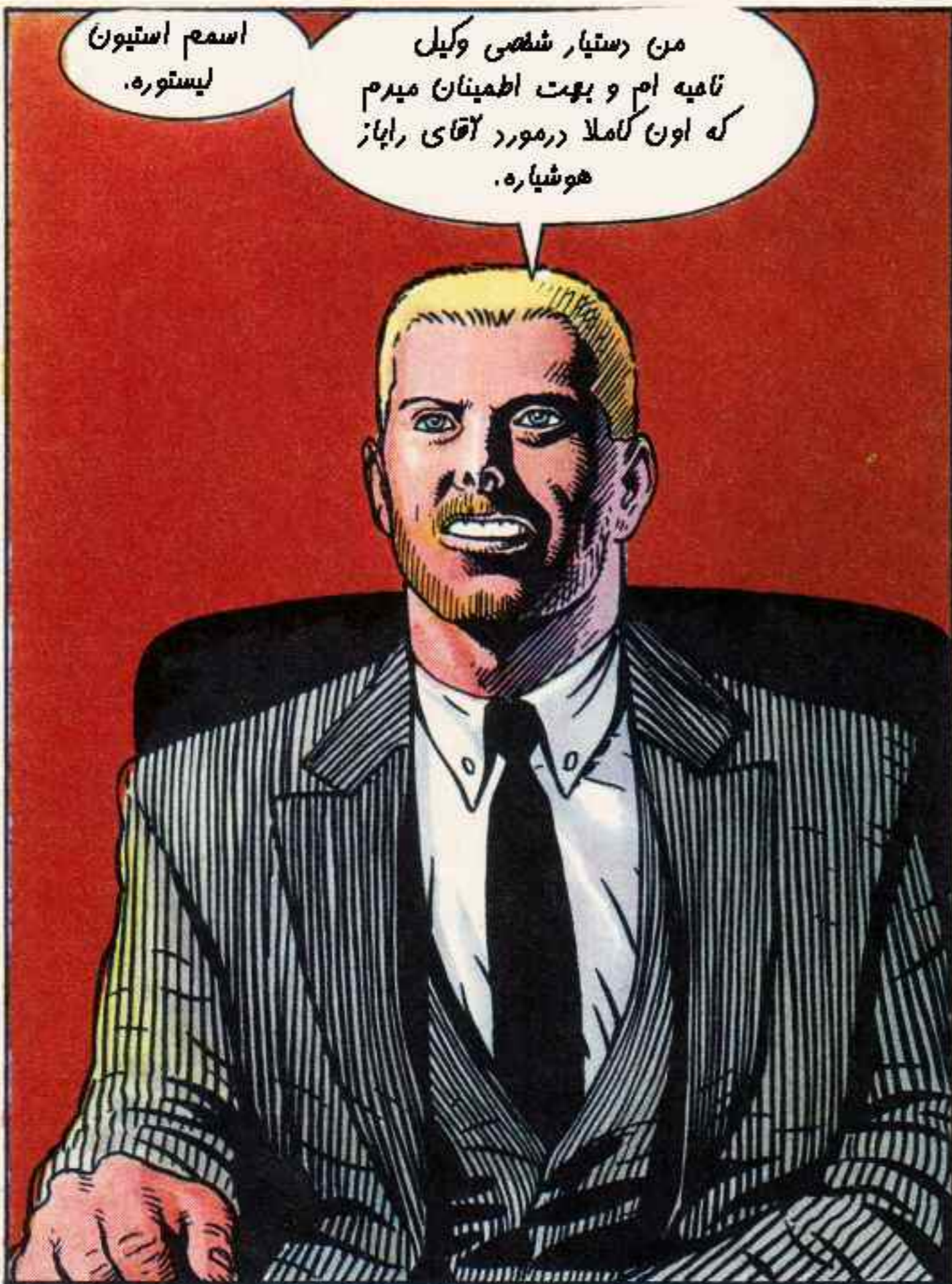


من نمیدونم چه کار داری  
میکنی ولی باید به بازجویی کامل  
داشته باشیم.

آره. تو درست  
میگی!



همینجا شروع میشه!  
من اسم کاملتو میفوام  
من باید با مقام بالا  
درمورد تو صحبت کنم.



اسمم استیون  
لیستوره.

من دستیار شخصی وکیل  
تامپه ام و بعزت اطمینان میدرم  
که اون کاملاً درمورد آقای راباز  
هوشیاره.



هرموقع بعد از  
ساعت دو میتونی تماس  
بگیری قبل از اون  
سرمون شلوغه.

درهرحال  
اگه خواستی باهاش  
تماس بگیری.



عالی مار کردی  
سرهنگ. عالی.

تو مهم ترین مقلونمونو  
که ۱۰ ساله نتونستیم کاری کنیم  
از دست داریم بطور توستنی بزاری  
راباز از دستت فرار کنه؟

نظرت چیه باطرفش  
یه آهنکم گوش بدیم؟ هه هه.



فقط صب کن و  
ببین. کون کنده. صب کن  
و ببین.

# Flogging a Dead Horse

Welcome to yet another white-hot, sopping-wet summer filled with tons of soggy comic books pierced with rusty staples, wilting in sagging bins across this great, big, sweating land of ours. Now, I know that not all of these comics will be as soggy as others. Many will be quickly scooped up by impatient collectors and stuffed, ever so gingerly, into the all-pervasive Mylar sheath and immediately stored away in a cool, computer-controlled air-conditioned environment. Stored away for that special day in the dim and distant future when some unsuspecting youngster in the year 2010 says he really must have a mint condition *Terminator: Secondary Objective* #1 or an *X-Something* #1. Ahh, the thrill of the kill!

Now, as I write this month's Horse Flogging, it is mid-May and I have been on a five-week, country-wide sweep of comic book conventions and distributor trade shows, meeting and greeting and selling our summer/fall line of books. Tucked somewhere in there I returned to attend our company's rather spiffy Open House/Fifth Anniversary Celebration where we invited our many writers, artists, and various business affiliates to wine and dine in our brand-new offices. A great time was had by all... all including big-name, hoo-ha types like Dave Stevens, Arthur Adams, Phill Norwood, Mark Verheiden, Marvel Comics' very own Lou Bank, Mr. David Scroggy from the San Diego Comic Book Expo, Graphitti Designs' Bob Chapman, and John "Greedo" Koukoutasakis of the legendary Freedonia Funnyworks comic shop based in Orange, California, as well as about 200 other totally nice people.

It turned out to be a most impressive get-together thanks to all of the advance work by our V. P. of Operations, Neil Hankerson. We had lots of incredible chow, and a wonderful selection of Oregon

beer and wine. The capper was a really neat sculpture of our Dark Horse logo made out of... you guessed it, black ice! In between eating and drinking, we managed to give mini-tours of our new facilities and also had a continual slide show highlighting many of our various comics and products. Everybody got goofy, nobody got stupid (well, except for Lou!), and by 2:30 a.m. all were safe, sound, and snoring in preparation for the convention we were all attending the very next day.



Did I mention our thoroughly new offices? I guess I did. Yep, the old horse has a new stable, and boy, what a stable! Recently, we've more than doubled the amount of working space as we have been working in rather tight confines for the last few months. As our line of books continues to grow, so has the amount of people needed to get all these books out on time and lookin' good. We've got new computers, fax machines, stat cameras, plate-makers, and a whole slew of other doo-dads I can't even pronounce, let alone operate!

The absolute coolest new addition to our new space is, of course, the all-new, white-hot office that holds yours truly. I got lucky and have my very own full-length window that looks out upon Main Street, the heart of Milwaukie, Oregon! (It also lets me spot the police before they give me another damn parking ticket!) Anyway, we're pretty jazzed about all this new stuff, and certain that it will allow us to get our jobs done with a lot more elbow room and more smiles on our faces.

Back to August: by now all of you have read James Robinson and Matt Wagner's *Terminator: One Shot* and the scar tissue on many a nose is almost completely healed after that surprise pop-up which nearly decapitated most of our far-sighted readers. Hope you enjoyed it! Also, you're about halfway through the Robinson/Gulacy *Terminator: Secondary Objectives*, and have most definitely seen our pal Arnold in *Terminator 2: Judgement Day* at least a jillion times! What else could top all of these great fun things... well, there's always our new series *The Mask* written by John (I HATE Everybody) Arcudi and illustrated by Doug Mahnke. Or *Dark Horse Presents* #53 with Frank Miller's *Sin City*, or *Cheval Noir* #21 with the wild-at-hearted David (*Twin Peaks*) Lynch, or... oh... I'll shut up now.

You can just read this handy shopping list. See ya!

Just trying to adjust my new blinds,

Bob Schreck  
Marketing Director guy

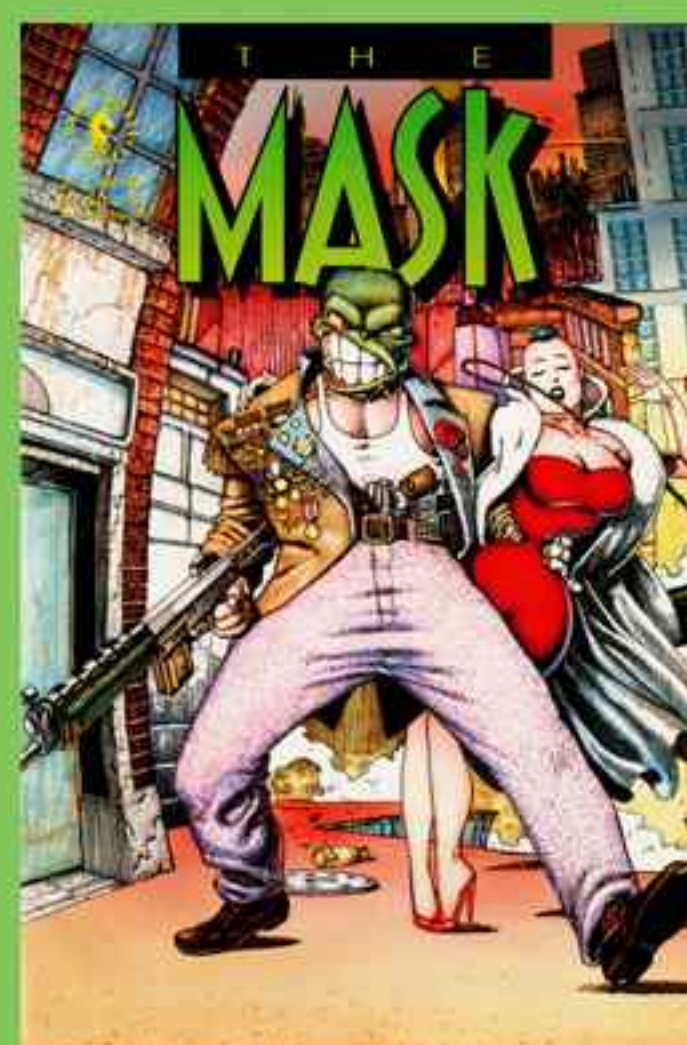
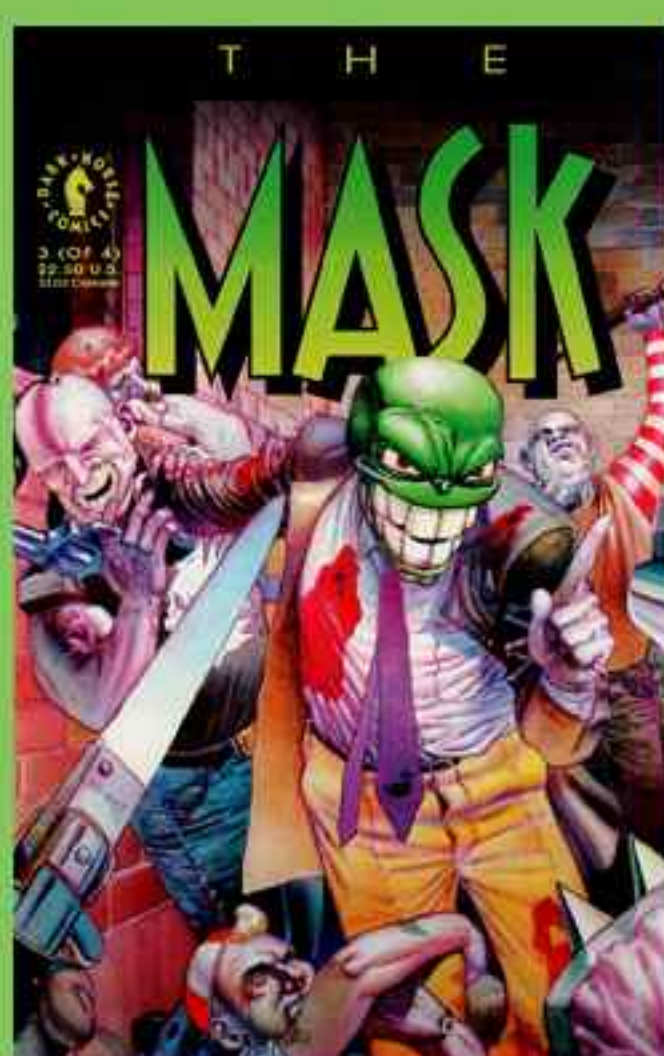
## CHECK LIST:

- SHIPPING AUGUST 6**  
Dark Horse Presents #53  
Venus Wars #5  
Terminator Secondary Objectives #2
- SHIPPING AUGUST 13**  
Cheval Noir #21  
Deadface #2  
Race of Scorpions II #2
- SHIPPING AUGUST 20**  
Badlands #2  
Outlanders #32
- SHIPPING AUGUST 27**  
Tank Girl #4  
The Mask #1  
Concrete #4

قسمت های بعد

قابل دانلود در

فیلم باز!!



فیلم بازا!!

Disney · PIXAR

# MONSTERS, INC.

3 2009  
OF 4 COVER A  
\$2.99

BOOM  
KIDS!

فایل

دانلود

فیلم بازا!!

کاری از تیم ترجمه

فیلم بازا!!

filmbuzz.ir  
fb/filmbuzz13

8 44284 00139 7 00311



WWW.BOOM-KIDS.COM

Disney

# Disney PIRATES of the CARIBBEAN DEAD MAN'S CHEST

JUNIOR  
GRAPHIC NOVEL

دردان دریایی کاراییب

صندوقچه ی مرد مرده



ترجمه ی کمیک:

تیم ترجمه ی فیلم بازار!!

[www.filmbuzz.ir](http://www.filmbuzz.ir)

[fb/filmbuzz](https://fb/filmbuzz)

[aparat.com/filmbuzz](https://aparat.com/filmbuzz)



فیلم بازار

دانلود

فیلم بازار

HE CARVED IT OUT,  
LOCKED IT AWAY  
AND HID IT FROM  
THE WORLD. THE KEY  
IS WITH HIM AT  
ALL TIMES!

SLIP ABOARD THE *FLYING  
DUTCHMAN*, TAKE THE  
KEY, AND THEN YOU CAN  
GO BACK AND SAVE YOUR  
BONNIE LASS

YOU KNOW OF  
DAVY JONES?  
A GREAT  
SAILOR... UNTIL  
HE FELL IN LOVE  
WITH A WOMAN.

LET ME  
YOUR H